



Documentary Narratives of the Endowments of Qajar Statesmen: Political and Economic Function of Endowments

 Seyedeh Fahimeh Musavi¹

Submit Date: 2025-03-03 Revise Date: 2025-04-20 Accept Date: 2025-09-29 Published Date: 2026-03-01 pp:219-235

Abstract

Many studies have addressed the social function of endowments, but the political and economic dimensions of the endowment phenomenon during the Qajar period have received less attention. This article examines the connection between the political structure of the Qajar period and the phenomenon of endowment. The aim of this research is to demonstrate the political and economic functions of endowments and, based on the historical analysis of endowment deeds, answer the question of what factors drove political elites to extensively endow their assets. The research findings show that many of these individuals endowed all or part of their assets on the brink of their dismissal, and in these circumstances, endowment served not only as a tool to legitimize their social position but also as a means to protect their assets from confiscation. It seems that Qajar officials, on the verge of being removed from power, saw endowment as a tool to preserve their social and economic power and used endowments to maintain their influence. The main sources for this research include endowment deeds and memoirs of political figures.

Key words: Function of Endowment, Political Despotism, Confiscation of Assets, Qajar Period, Qajar Statesmen.

CONFLICT OF INTERESTS

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this paper.

This is an open access article under the terms of the [Creative Commons Attribution-NonCommercial License](#), which permits use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.

© 2024 The Author(s). Journal of Codicology and manuscript research published by Torath pub. on behalf of the Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN.



1. M.A. in History of Islamic Iran, Institute for Humanities and Cultural Studies- M.A. in Sociology, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.



References

- Adamiyat, Fereydoun, *The Idea of Progress*, Tehran, Kharazmi Publications, 2006.
- Amanat, Abbas, *Qiblah of the World*, Tehran, Karnameh Publications, 2019.
- Bamdad, Mehdi, *Explanation of the Notables of Iran*, Tehran, Zavar Publications, 1992.
- Dabirsiaghi, Mohammad, "Endowments of Anis al-Dowleh," *Waqf, eternal legacy Journal*, Summer 2005, pp. 20-33.
- Dabirsiaghi, Mohammad, "Endowment Deed of the Two Qanats of Sadrabad and Kazemabad and the Shops around the Nazmieh Garden in Tehran," *Waqf, eternal legacy Journal*, Winter 1999, No. 28, pp. 29-36.
- Etehadieh, Mansoureh, "Endowments and Public Services of Abdolhossein Mirza Farmanfarma," *Waqf, eternal legacy Journal*, Spring 2002, No. 37, pp. 47-62.
- E'temad al-Saltaneh, Mohammad Hasan, *The Diary of E'temad al-Saltaneh*, Tehran, Amir Kabir Publications, 1971.
- E'temad al-Saltaneh, Mohammad Hasan, *Sadr al-Tavarikh*, Tehran, 1978.
- Ghanbarian, Ali, "Sheikh Abdolhossein Mosque and Seminary (Founder, Endowments, Architecture)," *Waqf, eternal legacy Journal*, Autumn 2018, No. 103, pp. 125-154.
- Ghanbarian, Ali; Qezelbashan, Amin, "Explanation and Study of the Life and Services of the Qaem Maqam Farahani Family," *Kharazmi History Journal*, Summer 2021, No. 34, pp. 71-88.
- Haji-Abbasi, Mohammad, "Endowment Deed of the National Consultative Assembly (Dar al-Shora-ye Melli, Baharestan Building)," *Waqf, eternal legacy Journal*, Autumn and Winter 2004, pp. 45-48.
- Kasravi, Ahmad, *History of the Iranian Constitutional Revolution*, Tehran, Amir Kabir Publications, 2006.
- Katouzian, Mohammad Ali, *The Conflict of State and Nation: Theory of History and Politics in Iran*, Tehran, Ney Publications, 2005.
- Kazeruni, Emad al-Din, "Endowment Deed of the Old Sepahsalar Mosque-School," *Waqf, eternal legacy Journal*, Spring and Summer 2001, No. 33-34, pp. 121-132.




- Kermani, Nazem al-Islam, History of the Iranian Awakening, Tehran, Amir Kabir Publications, 2008.
- Maftoon-Donboli, Abdolrazzaq, Ma'aser al-Soltaniyeh, Tehran, Iran Newspaper Publications Institute, 2010.
- Naghibi, Abolghasem, "Mirza Hossein Khan Sepahsalar (Sepahsalar Mosque and School, Cultural Background)," Encyclopedia of the Islamic World Journal, No. 23, pp. 9-11.
- Rezaei, Omid, Catalogue of Iranian Endowment Documents from the Beginning until February 11, 1979 (Vol. 4), Tehran, Organization of Endowments and Charity Affairs, Osoveh Publications, 2007.
- Sepehr, Mohammad Taqi, Nasekh al-Tavarikh, Tehran, 1958.
- Saedi, Houriyeh, The Shah and Jenab Agha, Tehran, Tarikh-e Iran Publications, 2009.





doi روایت اسنادی از موقوفات دولت‌مردان قاجار:

کارکرد سیاسی و اقتصادی موقوفات

سیده فهیمه موسوی^۱ 

از صفحه ۲۱۹ تا صفحه ۲۳۵ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۱۱

چکیده:

پژوهش‌های بسیاری به کارکرد اجتماعی وقف پرداخته‌اند ولی ابعاد سیاسی و اقتصادی پدیده وقف در دوره قاجار کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این مقاله به بررسی پیوند میان ساختار سیاسی دوره قاجار و پدیده وقف می‌پردازد. هدف این پژوهش این است که نشان دهد وقف چه کارکردهای سیاسی و اقتصادی داشت و با تکیه بر تحلیل تاریخی وقف‌نامه‌ها به این پرسش پاسخ دهد که چه عواملی نخبگان سیاسی را به وقف گسترده اموال خود سوق می‌داد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد اغلب این اشخاص در آستانه برکناری، تمام یا بخشی از اموال خود را وقف کرده‌اند و وقف در این شرایط نه تنها ابزاری برای مشروعیت بخشی به موقعیت اجتماعی این افراد، بلکه راهکاری برای محافظت از دارایی آنها در برابر مصادره بوده است. به نظر می‌رسد که مقامات قاجاری در آستانه برکناری، وقف را ابزاری برای حفظ قدرت اجتماعی و اقتصادی خود می‌دیدند و با استفاده از موقوفات سعی در تداوم نفوذ خود داشتند. منابع اصلی این تحقیق شامل وقف‌نامه‌ها، خاطرات رجال سیاسی می‌شود.

کلید واژه‌ها: کارکرد وقف، استبداد سیاسی، مصادره اموال، دوره قاجار

Cite this article: Musavi, Seyedeh Fahimeh. (2026). Documentary Narratives of the Endowments of Qajar Statesmen: Political and Economic Function of Endowments. Journal of Codicology and Manuscript Research (JCMR) (In Persian: Pizhūhish/hā-yi nuskah/shināsī va taṣṭih-i mutūn). Vol-4, Issue-2, 111-222.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران. ایران - دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.



۱- مقدمه

پژوهش‌های بسیاری به کارکرد اجتماعی و مذهبی وقف پرداخته‌اند و اغلب وقف را عملی مذهبی-مرتبط با باورهای مذهبی واقف- یا پدیده‌ای اجتماعی- در جهت گسترش نفوذ اجتماعی فرد- در نظر گرفته‌اند. علاوه بر این، نقش وقف، بر رفاه اجتماعی و توسعه اقتصادی و ظاهر شهر نیز مورد مطالعه قرار گرفته است. اما ابعاد سیاسی پدیده وقف در دوره قاجار کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این مقاله به بررسی پیوند میان ساختار سیاسی دوره قاجار و پدیده وقف می‌پردازد. در این مقاله رابطه بین استبداد سیاسی دوره قاجار و وقف مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. نگارنده در پی آن است تا با ارائه مدارک و شواهد، تاثیر خطر مصادره اموال دولت‌مردان متمول را در تنظیم وقف‌نامه‌های این گروه روشن سازد. نگارنده بر این باور است که با افزایش استبداد، بر تعداد و مقدار موقوفات بین دولت‌مردان افزوده می‌شود و با کاهش احتمال مصادره اموال تعداد موقوفات میان دولت‌مردان کاهش می‌یابد. برای مطالعه این موضوع وقف‌نامه‌های بالاترین مقام‌های سیاسی یعنی صدراعظم‌ها، رئیس‌الوزراها، نخست‌وزیر در دوره قاجار بررسی شد.

پژوهش حاضر به سه بخش عمده تقسیم شده است: از ابتدای دوره قاجار تا پایان دوره محمدشاه که علی‌رغم بی‌ثباتی سیاسی موقوفات دولت‌مردان محدود است. تمام دوره‌ی ناصرالدین شاه که استبداد سیاسی به اوج خود رسید و در این دوره شاهد افزایش مصادره اموال هستیم و اغلب صدراعظم‌ها تمام یا بخشی از اموال خود را وقف کرده‌اند. پس از مرگ ناصرالدین‌شاه و روی کار آمدن حکومت قانون به طور قابل توجهی از موقوفات دولت‌مردان کاسته می‌شود.

هدف این پژوهش این است که نشان دهد وقف چه کارکردهای سیاسی و به تبع آن اقتصادی داشت و با تکیه بر تحلیل تاریخی وقف‌نامه‌ها به این پرسش پاسخ دهد که چه عواملی نخبگان سیاسی را به وقف گسترده اموال خود سوق می‌داد. مقاله‌ی حاضر در پی آن است که با تکیه بر مطالعات اسنادی- به صورت خاص وقف‌نامه- به بررسی و تحلیل نقش استبداد سیاسی بر عمل وقف بین دولت‌مردان بپردازد.

در رابطه با استبداد سیاسی و وقف‌نامه‌ها به عنوان دو موضوع مجزا مطالعات بسیاری صورت گرفته است اما در مورد رابطه این دو با یکدیگر و در واقع با موضوع خاص مطرح شده در پژوهش حاضر، پیش از این مطالعه‌ای صورت نگرفته است. جستجوی نگارنده برای کشف مقاله یا کتاب با موضوعی نزدیک به موضوع مورد بحث بی‌نتیجه ماند^۱ و تنها اشاراتی کلی و بدون بررسی جامع در برخی آثار پژوهشی یافت، به طور مثال محمدعلی کاتوزیان در

۱. برای این منظور کلید واژه‌های مرتبط را در بانک‌های مقالاتی چون نورمگز، پرتال جامع علوم انسانی و... جستجو کرده و فهرست مآخذشناسی وقف اثر سید احمد سجادی به دقت بررسی شد و مجموعه مقالات و کتاب‌های مرتبط با وقف و آثار مرتبط با اقتصاد ایران دوره قاجار مطالعه شد، اما مقاله یا کتابی با موضوعی مشابه یا نزدیک به موضوع مقاله به دست نیامد.



کتاب تضاد دولت و ملت و نظریه تاریخ و سیاست در ایران، وقف در میان صاحب‌منصبان نزدیک به راس قدرت را ناشی از ترس مصادره اموال می‌داند:

«چون در جامعه استبدادی مانند ایران دوره قاجار فرمانروا به عنوان نماد انسانی دولت، کاملاً مستقل از جامعه بوده است و هیچ‌گونه حقی مستقل از او امکان وجود نداشته است؛ آن‌چه را که فرمانروا به عنوان یک امتیاز از قبیل زمین، باغ، مغازه و خانه به فردی اعطا کرده است، ممکن است توسط جانشینان او مادامی که قدرت عملی ساختن اراده خویش را داشته باشند دریغ داشته شود. به همین دلیل اشخاصی که به دلیل نزدیکی روابط با شاه صاحب مال و منال زیادی می‌شدند، برای حفظ آن از حربه وقف استفاده می‌نمودند» (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۱۵)

چنان‌که از عنوان مقاله برمی‌آید، پژوهش حاضر مبتنی بر وقف‌نامه‌های دوره قاجار است. مقاله‌ی حاضر در پی آن است که با تکیه بر مطالعات اسنادی - به صورت خاص وقف‌نامه - به بررسی و تحلیل نقش استبداد سیاسی بر عمل وقف بین دولت‌مردان بپردازد.

۲- متن مقاله

۲-۱- از ابتدای قاجار تا پایان محمدشاه: وقف در سایه بی‌ثباتی سیاسی

در دوره سلطنت فتحعلی‌شاه و محمدشاه، ایران با چالش‌های سیاسی و اقتصادی زیادی روبرو بود. در این دوران، رقابت‌های درباری و مبارزه قدرت میان مقامات عالی رتبه شدت گرفت. این دوره شاهد تغییرات مکرر در مقام صدارت بود و هفت صدراعظم بر مسند قدرت نشستند که در ادامه به بررسی آنها پرداخته خواهد شد.

۲-۱-۱- حاج ابراهیم خان کلانتر و خاندانش

حاجی ابراهیم خان، ملقب به اعتمادالدوله، وزیر لطفعلی‌خان زند و نخستین صدراعظم قاجار شمرده می‌شد که نقش تعیین‌کننده‌ای بر روی کار آمدن قاجار بر صدر قدرت داشت (مفتون‌دنبلی، ۱۳۸۹: ۶-۶۴). با گسترش اقتدار اعتمادالدوله و افزایش نفوذ خانواده‌ی کلانتر، افزایش بدگویی درباریان برکنار شده از حاجی ابراهیم و سابقه‌ی خیانت حاجی به ولی‌نعمت پیشین، سوءظن فتحعلی‌شاه را برانگیخت که در نهایت به قتل او در سال ۱۲۱۶ قمری منتهی شد (مفتون‌دنبلی، ۱۳۸۹: ۴۰-۱۳۷). بسیاری از اعضای خانواده او به قتل رسیدند و اموال حاجی ابراهیم خان به نفع شاه مصادره شد (سپهر، ۱۳۳۷: ۴-۶۳). حاجی ابراهیم خان نخستین صدراعظم حکومت قاجار بود و از او وقف‌نامه‌ای بدست نیامد و از پسرش - حاجی علیرضا واقف قنات معروف حاج علیرضا - و دامادش - ابوالحسن خان ایلچی - وقف‌نامه‌هایی باقی مانده که ارزش مادی قابل توجهی داشتند.



۲-۱-۲ - وقف‌نامه‌های میرزا شفیع مازندرانی

با توجه به سرنوشت حاجی ابراهیم خان و مصادره اموالش، وقف اموال بین صدور ایران به یک الگو تبدیل شد، به گونه‌ای که بسیاری از آنها در سالهای پایانی خود، با در نظر گرفتن احتمال برکناری و عزل، تمام یا بخش عمده‌ای از اموالشان را وقف کردند. میرزا شفیع مازندرانی، پس از ابراهیم خان کلانتر، بر سر کار آمد که بین سالهای ۱۲۱۵ قمری تا پایان عمر یعنی ۱۲۳۴ قمری صدراعظم ایران بود. تقریباً در اواخر دوره صدراتش طی سه وقف‌نامه - که از او و همسرش باقی مانده - اقدام به وقف اموالش کرد که بر اساس این دو وقف‌نامه، موارد زیر وقف شد:

«سه دانگ از شش دانگ قریه جائیج من اعمال کوشک دشت لواسان من بلوکات دارالخلافة»، «مدرسه صدرآباد واقع در دار الخلافة طهران و یک باب از جمله شش دانگ دو دانگ و نیم دکاکین واقع در گذر محله عودلاجان و سه دانگ دکان خبازی و سه دانگ دکان عطاری و سه دانگ از شش دانگ دو باب دکان علاق‌ی و سه دانگ از شش باب یک باب دکان طباحی و سه دانگ حمام ایتیعی از حاجی بدیع طهرانی واقع در گذر عودلاجان از دو باب مقرری الرجال و النسوان متصله به یکدیگر از هر یک از دو باب یک دانگ و نیم» و «اعیانی دو سکو جنبین مدرسه واقع در راسته بازار جدید سلطانی و جملگی سه باب دکان دوات گری زرگری و خیاطی متصله به یکدیگر سمت بالای مدرسه و دو باب دکان قصابی و کفاشی متصله به یکدیگر سمت قبلی مدرسه» (رضایی، ۱۳۸۶: ۸-۳۶۷، ۴۳۷).

این وقف‌نامه‌ها نشان می‌دهند که میرزا شفیع مازندرانی، در سال‌های پایانی خود بخش بزرگی از اموالش را وقف کرده، اقدامی که احتمالاً در راستای حفظ دارایی‌هایش درون خانواده، صورت گرفته است. در میان صدراعظم‌های فتحعلی‌شاه، حاج محمدحسین خان و عبدالله خان امین‌الدوله و آصف‌الدوله دیگر صدور دوره فتحعلیشاه، مدت کوتاهی بر سر کار بودند و به مرگ طبیعی درگذشتند و از آنها وقف‌نامه‌ای به دست نیامد.

۲-۱-۳ - قائم مقام فراهانی و سنت وقف در خاندانش

میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، از مهم‌ترین رجال سیاسی عصر قاجار، در جریان انتقال قدرت به محمدشاه نقش موثری داشت اما کمی پس از به قدرت رسیدن محمدشاه در سال ۱۲۵۱ قمری به قتل رسید (بامداد، ۱۳۷۱: ۶-۱۵۲). از قائم مقام و خاندانش در آذربایجان و خراسان وقف‌نامه‌های بسیاری بر جا مانده است، از جمله وقف ۳۸ هزار هکتار اراضی مابین تبریز و صوفیان که چه در روزگار قاجار و چه امروز حرف و حدیث بسیاری بر سر آنها وجود دارد (قنبریان و قزلباشان، ۱۴۰۰: ۸۵)، علی‌رغم جستجو تاریخ دقیق وقف‌نامه یا وقف‌نامه‌ها به دست نیامد. از خاندان قائم مقام فراهانی در دوره‌های بعد نیز وقف‌نامه‌های بسیاری باقی مانده است از جمله می‌توان به موقوفات میرزا موسی و میرزا عیسی وزیر اشاره کرد.



۴-۱-۲ - حاجی میرزا آقاسی: صدری که فرصت وقف نیافت

پس از قائم مقام، حاجی میرزا آقاسی به صدارت رسید که به شدت طرف توجه محمدشاه بود. او در دوران صدارتش ثروت زیادی اندوخت و زمینهای بسیاری را مصادره کرد اما مرگ ناگهانی شاه و ناکامی صدر در به تخت نشاندن عباس میرزا ملک‌آرا او را در موقعیت نامساعدی قرار داد. در نتیجه مجبور شد به عتبات بگریزد و سرانجام در سال ۱۲۶۵ قمری درگذشت. برخلاف بسیاری از صدور قاجار، حاجی میرزا آقاسی فرصت وقف نیافت و با مرگ شاه تمامی اموالش توسط ناصرالدین‌شاه مصادره شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۰۰-۱۸۳).

۴-۲ - دوره ناصری: گسترش مصادره و افزایش تعداد موقوفات دولت‌مردان

مصادره اموال در دوره ناصرالدین‌شاه شدت یافت و دیگر تنها به رؤس قدرت محدود نبود و امراء، حکام محلی و حتی رعایای ثروتمند نیز از مصادره اموالشان در امان نبودند. شواهد بسیاری از این روند را می‌توان در منابع تاریخی آن دوره از جمله روزنامه اختر، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، خاطرات عباس میرزا ملک‌آرا، خاطرات سیاسی امین‌الدوله مشاهده کرد. همچنین سیاحان خارجی نظیر پولاک، لرد کرزن و کارلا سرنا نیز در نوشته‌های خود به این موضوع اشاره کرده‌اند. نمونه‌ای از این روند را می‌توان در سرنوشت الله‌وردی خان توپچی‌باشی مشاهده کرد:

«الله‌وردی خان توپچی‌باشی چهار روز قبل فوت شد. [...] معروف است که زن الله‌وردی خان را روز دوم شوهرش، خانه نایب‌السلطنه بردند. هفتاد هزار تومان از او خواسته بودند نداده بود. مادر نایب‌السلطنه گفته بود پنج هزار تومان بده شاید به همین بگذرد قبول نکرده بود. خانه آمد سوم شوهر را برگزار کرده مجدداً حسب‌الامر شاه او را خانه نایب‌السلطنه بردند، حبس است و پول می‌خواهند تا بعد چه شود»، «چهارشنبه ۱۵- [...] زن الله‌وردی خان که خانه نایب‌السلطنه حبس بود دیناری نداده است پسرهای او را از مناصب‌شان خلع نمودند سهام الدوله نوری که از متمولین امراء عسکریه است بعد از این تفصیل تمام مایملک خود را وقف کرد. مردم از این کارها خیلی بد می‌گویند...» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۷-۴۷۶)

این نقل قول به خوبی نشان می‌دهد که افراد متمول، برای محافظت از دارایی‌های خود، چاره‌ای جزء وقف نداشتند. در شرایطی که ثروتمندان در معرض تهدید دائمی مصادره بودند، وقف اموال، نه تنها یک اقدام دینی بلکه یک استراتژی حفاظتی برای در امان ماندن از دخالت دولت به شمار می‌رفت، زیرا موقوفات، برخلاف دارایی‌های شخصی، تحت حمایت شرع قرار داشت و همین مساله ضبط آنها را برای حکومت دشوارتر می‌کرد. بنابراین شدت گرفتن مصادره‌ی اموال در دوره ناصرالدین‌شاه، به یکی از عوامل مهم در افزایش وقف در میان رجال و ثروتمندان تبدیل شد و این مساله را به ویژه در رابطه با قدرتمندترین افراد می‌توان به وضوح مشاهده کرد.



۲-۲-۱- موقوفات میرزا محمدتقی خان فراهانی مشهور به امیرکبیر

امیرکبیر، نخستین صدراعظم دوره ناصری، از سال ۱۲۶۴ قمری -نخستین سال سلطنت ناصرالدین‌شاه- تا ۱۲۶۷ قمری (سالی که در آن عزل و سپس به قتل رسید) صدراعظم ایران بود. در حالیکه بیشتر ایرانیان، امیر را به خاطر تاسیس دارالفنون، نخستین مدرسه عالی ایران و روزنامه وقایع‌التفاهیه، دومین نشریه ایران می‌شناسند، کمتر کسی، مسجد و مدرسه شیخ‌عبدالحسین، مهم‌ترین یادگار امیرکبیر را می‌شناسد. این بنا با یک سوم اموال امیر ساخته شد. در کتاب فهرست موقوفات ایران، وقف‌نامه‌ای مربوط به سال ۱۲۷۶ قمری، آمده که نشان می‌دهد رقباتی شامل سیزده دکان و یک حجر طاحونه در محله پاچنار توسط «عبدالحسین مجتهد طهرانی شیخ‌العراقین از طرف تقی خان امیرنظام» وقف مسجد مدرسه شیخ عبدالحسین شده است (فهرست اسناد موقوفات ایران از آغاز تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷: ۲۰۸).

علی قنبریان در مقاله «مسجد و حوزه علمیه شیخ‌عبدالحسین» همین رقبات را به مادر امیرکبیر نسبت داده است. اسنادی که قنبریان درباره‌ی موقوفات مسجد و مدرسه شیخ عبدالحسین^۱ بررسی کرده، عبارت‌اند از: وصیت‌نامه شیخ عبدالحسین تهرانی و اصل وقف‌نامه املاک مادر امیرکبیر. هر دو سند جزء اسناد دیوان محاکمات وزارت امور خارجه در سازمان اسناد ملی ایران است. ماجرا از این قرار بود، امیرکبیر که از دیرباز دوستی با شیخ داشت، از او خواسته بود تا با یک سوم اموال امیر، مسجد و مدرسه‌ای را بنا کند تا باقیات‌الصالحاتی برای او باشد. شیخ عبدالحسین با عمل به خواست امیر، مسجد مدرسه‌ای را در محله بازار بنا کرد اما زمان رونمایی بنا، چون امیر مغضوب درگاه شاه بود، گذاشتن نام امیر بر روی مسجد و مدرسه امکان نداشت، به همین سبب به مسجد و مدرسه شیخ عبدالحسین مشهور شد و بین عوام به مسجد آذربایجانی‌ها یا مسجد ترک‌ها هم شهرت یافت. گرچه اصل وقف‌نامه‌ای که در آن مسجد و مدرسه وقف را وقف کرده باشد شده، موجود نیست، ولی از وصیت‌نامه شیخ عبدالحسین می‌توان به وقفی بودن این مجموعه پی برد. به خصوص که اشاره شده، بنای مسجد پیش از قتل امیر و در زمان عزل او به پایان رسیده است و اینکه وقف‌نامه مذکور رقبات دیگری را جهت همین مجموعه وقف کرده است (قنبریان، ۱۳۹۷: ۷-۱۳۲).

۲-۲-۲- موقوفات میرزا نصرالله خان نوری مشهور به میرزا آقاخان

پس از عزل امیرکبیر، سال ۱۲۶۸ قمری، میرزا نصرالله خان نوری مشهور به میرزا آقاخان به صدارت رسید و تا سال ۱۲۷۵ قمری بر مسند صدارت باقی ماند. کمی بعد با ازدواج پسر بزرگش میرزا کاظم خان با خواهر ناصرالدین شاه، پیوند خاندان نوری با سلطنت مستحکم‌تر شد و همین پسر نوری، از شاه لقب نظام‌الملکی دریافت کرد. در سال ۱۲۷۰ قمری، آقاخان در باغی برای پسرش، میرزا کاظم خان عمارتی بنا کرد و به مناسبت لقب نظام‌الملکی

۱. شیخ عبدالحسین از مجتهدان برجسته تهران دوره ناصری بود که روابط دوستانه‌ای با امیرکبیر داشت.



که به پسرش داده شده بود، آن را نظامیه نامید. در قسمت جنوبی عمارت نظامیه، حوض بزرگی ساخته شد که آب دو قنات صدرآباد و کاظم‌آباد از فواره‌ی میانی آن به درون حوض می‌ریخت و از اطراف پاشویه‌ها خارج می‌شد. این آب از سمت جنوب به پایین باغ سرازیر می‌شد و به سمت انتهای باغ و سپس به محلات شهر و خانه‌ها می‌رفت (امانت، ۱۳۹۸: ۴۲۸).

میرزا آقاخان در سال ۱۲۷۴ قمری، در یک وقف‌نامه، این دو قنات را وقف عام کرد تا مردم بدون پرداخت هزینه از آن برای مصارف روزمره استفاده کنند. در این وقف‌نامه تاکید شده بود که استفاده از این آب برای مصارف کشاورزی و تولیدی ممنوع و حرام است. (دبیرسیاکی، ۱۳۷۸: ۳۳). صدراعظم وقت ایران، در دو وقف‌نامه دیگر که در سالهای ۱۲۷۴ و ۱۲۷۵ تحریر شده‌اند، رقبات زیادی را برای مخارج لایروبی این دو قنات وقف کرد. علاوه بر این بخشی از عایدات موقوفاتش را برای مخارج آب‌انبار وقفی خود در نظر گرفت و همچنین برای تعمیرات مسجد و عزاداری و کمک به زوار هم مبلغی در نظر گرفته شد و از همه مهمتر بخش اندکی از این عایدات برای تعلیم اطفال یتیم کنار گذاشته شد. در مجموع علاوه بر آن دو قنات، نوری، یک کارونسرا، بیست‌وسه دکان، یک آب‌انبار، یک مسجد، و یک طویله و بهاربند را وقف کرد (رضایی، ۱۳۸۶: ۴۳۲، ۴۳۴).

نکته‌ای که توجه پژوهشگر را به خود جلب کرده این است که سه وقف‌نامه از میرزا آقاخان به جا مانده و هر سه در دوران صدارتش و دقیقاً در یکی دو سال پایانی صدارتش تنظیم شده‌اند، یعنی زمانی که رابطه‌اش با شاه و دربار رو به تیرگی می‌رفت و در هر سه وقف‌نامه تولیت اوقاف را به اولاد ذکور خود واگذار کرد. میرزا آقاخان سال ۱۲۷۵ قمری پس از یک دوره کشمکش با دشمنانش، از مقام خود عزل و با کسان و بستگان و فرزندان از تهران تبعید شد. او چند سالی را در تبعید به سر برد تا اینکه سرانجام در شب جمعه دوازدهم شوال ۱۲۸۱ در قم درگذشت (امانت، ۱۳۹۸: ۶۲-۴۵۱).

۲-۲-۳ - موقوفات میرزا محمدخان سپه‌سالار قاجار دولو

پس از عزل میرزا آقاخان نوری، ناصرالدین شاه برای مدت طولانی از انتخاب نهاد صدارت را لغو کرد و شخصا زمام امور را به دست گرفت (امانت، ۱۳۹۸: ۴۶۲). در این مدت شخصی به عنوان رئیس الوزرا منسوب می‌شد که هیچ گاه اختیارات صدراعظم برخوردار نبود و تنها ریاست جلسات دولت را در غیاب شاه بر عهده داشت. نخستین کسی که ریاست شورای دولت را بر عهده گرفت، میرزا جعفر مشیرالدوله بود. پس از او، میرزا محمدخان سپه‌سالار قاجار دولو به عنوان رئیس الوزراء منصوب شد. سپه‌سالار که از واقفان برجسته عصر ناصری بود، مدتی وزیر جنگ و بعد رئیس‌الوزرای ایران شد و در ادامه تا پایان عمرش والی خراسان و نایب‌التولیه آستان قدس رضوی بود.

سپه‌سالار نخستین مسجدمدرسه سپهسالار را بنا کرد که در سال ۱۲۸۲ قمری وقف شد. این مجموعه پس از بنا شدن مدرسه‌ی حسین‌خان مشیرالدوله در سال ۱۲۹۷ قمری - که آن نیز مدرسه‌ی سپهسالار نامیده شد - به



سپهسالار قدیم^۱ شهرت یافت. جالب اینجاست که سپهسالار، از سال ۱۲۸۱ تا ۱۲۸۳ رئیس الوزرا بود و درست سال پایانی که در اوج قدرت بود، تنها وقف‌نامه خود در تهران را ثبت کرده است! علاوه بر این مسجد مدرسه، واقف رقباتی را برای مخارج مسجد مدرسه در وقف‌نامه در نظر گرفت. طبق وقف‌نامه، تولیت مجموعه با شخص واقف بوده و پس از فوت او، به اولاد ذکورش نسل بعد نسل واگذار شد (کازرونی، ۱۳۸۰: ۲-۱۲۱). پس از پایان دوران رئیس الوزرای، اعزام سپهسالار به خراسان نشان‌دهنده دوری او از مرکزی قدرت و به نوعی بیانگر بی‌مهری شاه نسبت به وی بود. در نظر گرفتن این موضوع می‌تواند به طور غیرمستقیم اقدام وی برای وقف بخش قابل توجهی از اموالش را توجیه کند و در واقع او برای تضمین آینده خود و خاندانش این وقف‌نامه را تنظیم کرد.

۲-۲-۴ - میرزا حسین خان سپهسالار و موقوفات عظیمش

میرزا حسین خان، از دولت‌مردان برجسته و تجددخواه دوره ناصرالدین شاه بود که به خاطر تلاش‌هایش در عرصه‌ی دیپلماتیک، نظامی و اصلاحات داخلی شناخته می‌شود. سالها وزیرمختار و سفیر ایران در استانبول بود و مدتی مقام وزارت داشت. سپهسالار در مدت کوتاه صدارت خود اقدامات بسیاری انجام داد و مهم‌ترین آنها فراهم کردن شرایط نخستین سفر ناصرالدین شاه به اروپا و واگذاری قراردادی در سال ۱۲۸۹ به رویتر انگلیسی بود. با علنی شدن امتیاز رویتر، مخالفت‌ها علیه سپهسالار آغاز شد و در غیاب شاه و سپهسالار تشدید شد. سپهسالار کوشید با مخالفان خود از در دوستی درآید، ولی این کشمکش در نهایت منجر به عزل سپهسالار شد. میرزا حسین خان در سال ۱۲۹۸ به حکومت خراسان و تولیت آستان قدس رسید و کمی بعد در همان‌جا درگذشت (آدمیت، ۱۳۸۵: ۹۸). بنا بر گزارشات^۲ به دستور ناصرالدین شاه مسموم شد، به طور مثال ناظم الاسلام کرمانی در تاریخ بیداری ایرانیان می‌نویسد:

«مرحوم حاج میرزا حسین خان سپهسالار از کار خلع و بحکومت خراسان برقرار گردید. پس از یکسال حکومت و تمام شدن مقبره او بمرض مفاجه درگذشت و یا آنکه به امر ناصرالدین شاه او را معدوم نمودند. در اواخر زندگانی خود اصرار و عجله زیادی داشت در اتمام و مرمت شدن مقبره‌اش، همان روزی که تعمیر مقبره او در دارلسیاده ارض اقدس به آخر رسید درگذشت» (کرمانی، ۱۳۸۷: ۱۱۳)

از میرزا حسین خان سپهسالار نیز وقف‌نامه‌ای مربوط به سال ۱۲۹۷ قمری - سالی که عزل شد - باقی مانده است. طبق این وقف‌نامه، هفت روستا به صورت شش دانگ و بخشهایی از سه روستای دیگر وقف شد. علاوه بر این دکان‌هایی در بازار قیصریه، یک حمام زنانه و یک حمام مردانه در همان بازار و هجده دکان در بازار امیر را وقف

۱. بعد از انقلاب ۱۳۵۷، نام بهشتی بر مسجد و مدرسه سپهسالار قدیم گذاشته شد. ضمن این‌که مدرسه سپهسالار جدید هم پس از انقلاب، نام موسس و واقفش از روی آن برداشته شد و به نام مدرسه عالی مطهری خوانده شد. این مجموعه، سمت شرقی مدرسه خان مروی قرار دارد و از یک مدرسه و دو مسجد تابستانی و زمستانی تشکیل شده است.



کرد و تمامی این‌ها رقباتی بودند که برای تامین هزینه‌های مسجد و مدرسه وقفی سپهسالار وقف شدند (رضایی، ۱۳۸۶: ۱۱۶) که در زمان تاسیس مسجد-مدرسه ناصری، ناصریه خوانده شد. ساخت این مسجد در سال ۱۲۹۶ در باغ خانه سپهسالار به نام بهارستان، آغاز گردید و ۷ شوال ۱۲۹۷ وقف شد و تولیت آن در زمان حیات واقف با خود او و پس از او به سلطان وقت واگذار شد تا بر اساس صلاحدید کشور، نایبانی برای مسجد و مدرسه منصوب کند. بر اساس وقفنامه هدف موسس از تاسیس این بنا ایجاد یک نهاد دینی و آموزش علوم اسلامی بود (نقیبی، بی‌تا) اما با توجه به تجددخواهی میرزاحسین و میل او به مظاهر جدید تمدنی بعید به نظر می‌رسد که هدف مطرح شده در وقفنامه نیت اصلی واقف بوده باشد، بلکه با توجه به مخالفت‌های روحانیون در چند نوبت نسبت به اصلاحاتش و تلاش سپهسالار برای تغییر رای این گروه می‌توان هدف از بنای این نهاد دینی را جلب حمایت روحانیون دانست که البته مفید فایده واقع نشد. پس از مرگ حسین‌خان، در سال ۱۳۰۰ قمری، ورثه او ۳ دانگ از قنات مهران را نیز وقف مشروب ساختن مسجد و مدرسه سپهسالار کردند (رضایی، ۱۳۸۶: ۱۳۶).

۲-۲-۵ - موقوفات جناب آقا

یکی از بانفوذترین مردان دوره ناصری، میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، مشهور به جناب آقا بود. او که وزارت مالیه یا دارایی دوره ناصری را در ادوار مختلف به عهده داشت و علاوه بر وزارت همزمان مسئولیت‌های دیگری چون مثل اداره کردستان، آذربایجان، قم، اداره صندوقخانه شاه و غیره را هم برعهده داشت. از سال ۱۲۹۴ قمری که امور مملکت به دو بخش تقسیم شد و تمامی امور دیوانی و مالی به جناب آقا واگذار شد، و باقی امور به میرزاحسین‌خان مشیرالدوله واگذار شد و بعد از برکناری میرزاحسین‌خان در سال ۱۲۹۸ تمامی امور به او محول شد (سعیدی، ۱۳۸۸: ۲۷). از جناب آقا یک وقفنامه در سال ۱۲۹۸ قمری باقی مانده که به موجب آن املاک عظیمی چون ۶ دانگ قریه ونک، ۶ دانگ قریه خوردین، چندین خانه، یک حمام، یک باغچه و شش باغ، یک حجرطاحونه و کلی حقابه و سهم اب قنات‌های مختلف و مصرف تمامی این رقبات، عزاداری، اطعام اهل عزا و هزینه‌های مقبره واقف تعیین شده است (رضایی، ۱۳۸۶: ۴۵۷). همزمانی این وقف با قرار گرفتن جناب آقا در عالی‌ترین موقعیت و تمرکز کامل امور کشور در دست او، می‌تواند نشان از بیم جناب آقا برای مصادره اموالش و تلاش برای حفظ این املاک در خانواده باشد، به ویژه که مصرف در نظر گرفته شده، عزاداری و اطعام اهل عزا بود و متولی نیت خود واقف و پس از او وارثان واقف در نظر گرفته شدند.

۲-۲-۶ - اتابک اعظم و وقف

میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان، مشهور به اتابک اعظم، آخرین صدراعظم ناصرالدین‌شاه بود و پس از دوره ناصری نیز مدتی در زمان مظفرالدین‌شاه و محمدعلی‌شاه نیز بر مسند امور قرار داشت. از متون دوره قاجار، به ویژه آثار عصر مشروطه مثل جلد سوم سیاحتنامه ابراهیم‌بیگ، این نکته به دست می‌آید که اتابک اعظم از ثروت



و اموال فراوانی برخوردار بود. موضوعی که در دوران مشروطه موجب انتقادات زیادی علیه او شد. علی‌رغم دارایی‌های زیاد، از امین‌السلطان وقف‌نامه‌ای پیدا نشد و البته اتابک اعظم در دوره ناصری، طبق گزارش‌های اعتمادالسلطنه، همواره محبوب و مورد حمایت شاه بود و بیم برکناری و مصادره اموال نداشت که در پی وقف اموال باشد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰: ۴۱۶، ۴۵۱، ۵۵۲).

۲-۳- ترور استبداد و برپایی حکومت قانون و تاثیر آن بر کاهش وقف دولت‌مردان

در سال ۱۳۱۳ قمری، ناصرالدین‌شاه در پنجاهمین سالگرد سلطنت خود، به جهت شکرگزاری بابت نیم قرن سلطنت، به حرم حضرت عبدالعظیم رفته بود که به دست میرزا رضا کرمانی و با تیر تپانچه ترور شد. این ترور، به عنوان کنشی در جهت بهبود اوضاع اجتماعی و سیاسی کشور تلقی می‌شد.

۲-۳-۱- مشروطه‌خواهی و کاهش وقف دولت‌مردان

پس از قتل شاه، مظفرالدین‌شاه، پسر بیمار و ضعیف ناصرالدین‌شاه بر تخت نشست. با وقوع این حادثه، تحرکات گسترده برای ایجاد تغییر و اصلاح آغاز شد، مدارس افتتاح شد، روزنامه و رساله منتشر شد، ایده‌ی سلطنت مشروطه مطرح شد و به اجرا درآمد. یکی از انتقادات مهمی که در متون ادبی و سیاسی این اثر بارها طرح شد ناامنی اقتصادی و مصادره اموال بود. به باور نگارنده همین انتقادات منجر به کاهش احتمال مصادره اموال دولت‌مردان و متمولین و در نتیجه کاهش وقف توسط این افراد بود و برخلاف دوره ناصری که هر یک از صدور موقوفه‌ای اثرگذار و عظیم از خود به جا گذاشت، با بروز چنین رویداد مهمی، در تعداد موقوفات دولت‌مردان و مقدار و نوع مصرف موقوفاتشان تغییراتی مشاهده شد. امین‌الدوله، میرزا محسن خان مشیرالدوله، اتابک اعظم و عین‌الدوله چهار رئیس‌الوزرا/ صدراعظم‌های دوره مظفری بودند از بین این گروه هیچ کدام وقف‌نامه‌ای از خود باقی نگذاشتند و فقط احمدخان مشیرالسلطنه وزیر خزانه وقت و نخست‌وزیر دوره بعدی، مستقلاتی را در تهران و ۲۲ باب دکان در پیربازار رشت وقف کرد (رضایی، ۱۳۸۶: ۴۵). اواخر دوره مظفری فرمان مشروطه به امضای شاه رسید و از این پس حکومت قانون آغاز شد.

۲-۳-۲- برپایی حکومت قانون و نسبت آن با وقف

مظفرالدین‌شاه سال ۱۳۲۵ درگذشت و محمدعلی‌میرزا، به سلطنت رسید اما دیری نگذشت که به مخالفت با مجلس برخاست. تعارضات میان دربار و مجلس اوج گرفت و کشمکی میان مشروطه‌خواهان و مشروعه‌خواهان آغاز شد و این غائله به توپ بسته شدن مجلس، کشتار برخی مشروطه‌خواهان ختم شد و باقی گریختند و استبداد در شرف پیروزی حتمی بود که مشروطه‌خواهان تبریزی به پا خاستند و در برابر نیروهای استبداد مقاومت کردند و شرایط را برای مقابله فراهم کردند که در نهایت با لشکرکشی تنکابنی و سردار اسعد به تهران و پیروزی



مشروطه‌خواهان محمدعلی‌شاه برکنار و مجلس دوم برقرار شد (کسروی، ۱۳۸۵: ۱۳۲). مشروطه‌خواهان تهران را فتح کردند و شاه مستبد، با مقرری مشخص تبعید گشت. مشروطه‌خواهان، پسر خردسال شاه مخلوع را به تخت نشانند. احمدشاه قاجار یکی از معدود شاهان ایرانی است که کاملاً به نقش تشریفاتی خود در سلسله مراتب قدرت واقف بود و دخالتی در امور مجلس نمی‌کرد. در دوران سلطنت احمدشاه تنشی بین شاه و مجلس پدید نیامد.

محل مجلس ابتدا در اتاق نظام کاخ قرار داشت، کمی بعد نمایندگان تصمیم گرفتند تا محل مشخصی را برای تشکیل جلسات مجلس شورای ملی انتخاب نمایند. به همین منظور عمارت بهارستان را در نظر گرفتند که در کنار موقوفات او قرار داشت و پس از عزل سپهسالار توسط حکومت مصادره شده بود. کمی بعد مجلسیان با اشکال تراشی وراثت سپهسالار مواجه شدند. مجلس برای برپایی عدالت ایجاد شده بود و بی‌توجهی به شکایت وراثت سپهسالار، در تعارض با اصول اصلی مجلس بود. به همین خاطر در این دوره که مصادف با تشکیل مجلس دوم بود، نمایندگان مجلس از شهریه و حق‌الوکاله خود مبلغ ۱۵۰ هزار تومان گردآوری کردند، سپس حاج میرزا یحیی امام جمعه خوئی و شیخ محمدحسین یزدی به نمایندگی از باقی افراد، املاک موردنظر را از وراثت سپهسالار خریداری کردند و بعد عمارت، محوطه، باغ بهارستان را به انضمام یک و نیم دانگ از رشته قنات مهران را بر مصالح عامه اهالی ایران وقف کردند و رئیس مجلس شورای ملی را به عنوان متولی آن تعیین کردند (حاجی‌عباسی، ۱۳۸۳: ۳۴).

از نخست‌وزیران دوره محمدعلی‌شاه -آتابک اعظم، مشیرالسلطنه، ابوالقاسم قراگوزلو، حسنعلی مافی- و دور احمدشاه -سعدالدوله، تنکابنی، مستوفی‌الممالک، نجفقلی بختیاری، علاءالسلطنه، مشیرالدوله، عین‌الدوله، فرمانفرما، وثوق‌الدوله، فتح‌الله اکبر، سیدضیاء طباطبائی و رضاخان- وقف‌نامه‌ای کشف نشد مگر عبدالحسین فرمانفرما که چندین وقف‌نامه را در سالهای پایانی دوره قاجار ثبت کرد و در رابطه با وقف فرمانفرما ذیل عنوان بعدی توضیح خواهیم داد.

۲-۳-۳- احتمال جابجایی قدرت و افزایش وقف بین شاهزادگان قاجاری

با قطعیت نمی‌توان نظر داد اما تنظیم وقف‌نامه‌های بسیار توسط شاهزادگان در سالهای پایانی دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی نمی‌تواند به امکان مصادره اموال توسط قدرت جدید بی‌ارتباط باشد. پیش از این از خاندان سلطنتی وقف‌نامه‌های باقی مانده بود اما بسیار ناچیز بودند و در مقایسه با موقوفات صدور از اهمیت برخوردار نبودند. از بین شاهان قاجاری فقط فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه وقف‌نامه داشتند، فتحعلی‌شاه قاجار ۳۴ باب دکان جنب مسجد سلطانی -که به امر فتحعلی‌شاه بنا شده بود- یک باب حمام را برای عزاداری اهل بیت وقف کرد یا حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه، نخستین پسر فتحعلیشاه، یک دکان، یک حمام و یک مزرعه را وقف امامزاده صالح و مسجد آن کرد. از مهمترین واقفان خاندان سلطنتی در ادوار پیشین می‌توان به انیس‌الدوله اشاره کرد که تمام



اموال خود را طی چند سند، وقف کرد و بعد برادران و برادرزادگان را متولی موقوفات قرار داد به این خاطر که فرزندی نداشت و در واقع وقف انیس‌الدوله را می‌توان به خاطر حفظ دارایی در خانواده اصلی دانست (دبیرسیاقی، ۱۳۸۴: ۵-۲۰). دیگری واقف مهم خاندان سلطنتی منیرالسلطنه همسر ناصرالدین‌شاه و مادر کامران‌میرزا و ظل‌السلطان بودند که اولاً تمام اموالشان را در برنمیگرفت و در ثانی در اغلب متون به تعدی و دستبرد آنها به اموال دیگران بارها اشاره شد و به نوعی می‌توان این موقوفات را تلاشی در راستای حفظ وجه عمومی آنها دانست.

اما اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی چندین واقف برجسته و اثرگذار از خاندان سلطنتی بخش عمده‌ای از اموالشان را وقف کردند. از عبدالحسین‌میرزا فرمانفرما دو وقف‌نامه مرتبط با تهران باقی مانده است که هیچ کدام در دوران نخست‌وزیری او وقف نشدند پس ترسی از مصادره اموال توسط شاه قاجاری وجود نداشت بلکه اواخر دوره قاجار و با شروع زمزمه‌های تغییر خاندان حکومتگر مقارن بودند. اولین وقف‌نامه در سال ۱۳۴۱ قمری ثبت شده و رقبات آن جهت تاسیس یک مکتبخانه برای تحصیل اطفال بی‌بضاعت در نظر گرفته شد. وقف‌نامه دوم در سال ۱۳۴۲ قمری برای بنای موسسه پاستور و یک مریضخانه ثبت شد. فرمانفرما با وقف زمین، بناها و آب آشامیدنی مورد نیاز مجموعه انیستیتو و همچنین در نظر گرفتن عیادات مشخص برای مخارج انیستیتو، به تاسیس انیستیتو پاستور ایران یاری رساند (اتحادیه، ۱۳۸۱: ۹-۴۷). شاهزاده خانم فخرالدوله و نجم‌السلطنه از دیگر شاهزادگان قاجاری هستند که اوایل دوران پهلوی موقوفاتی عظیم و اثرگذار داشتند به این دو وقف‌نامه به سبب قرار نگرفتن در دوره زمانی مورد مطالعه نمی‌توان پرداخت.

۳- نتیجه‌گیری

در دوران قاجار وقف به عنوان یکی از نهادهای مهم اجتماعی و اقتصادی در ایران، نقش ویژه‌ای در حفاظت از اموال و دارایی‌ها در برابر خطر مصادره اموال توسط شاه ایفا می‌کرد. چنان‌که مشاهده شد در دوره قاجار، صدراعظم‌هایی که احتمال برکناری خود را می‌دادند، در یکی دو سال منتهی به برکناری، تمام یا بخش عمده‌ای از اموالشان را وقف می‌کردند و اغلب خود و بعد فرزندان‌شان را به عنوان متولی موقوفات در نظر می‌گرفتند، تا به این ترتیب، در صورت از دست دادن موقعیت سیاسی، موقعیت اقتصادی خود را از دست ندهند. در دوره ناصری که استبداد سیاسی و امکان مصادره اموال شدت یافت، وقف به عنوان یک راهکار برای تامین امنیت اقتصادی بیشتر شد و اغلب دولت‌مردان دوره ناصری وقف‌های بزرگی از خود به جا گذاشتند که اداره موقوفات را خود بر عهده داشتند. کاهش تعداد موقوفات دولت‌مردان در دوره مشروطه خود تایید کننده‌ی این مدعا است، با وقوع تحولات سیاسی در ایران، با افزایش انتقادات نسبت به عملکرد حکومت، افزایش آگاهی از حقوق فردی و اجتماعی، احتمال مصادره اموال کاهش یافت و در نتیجه بین رئیس‌الوزرا یا نخست‌وزیران پس از انقلاب مشروطه وقف اموال مشاهده نمی‌شود و باز در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی به سبب افزایش خطر مصادره اموال، وقف تمام یا



بخش عمده‌ای از اموال توسط شاهزادگان قاجاری قابل مشاهده است که بیم مصادره اموالشان توسط قدرت جدید را می‌دهند. این پژوهش به هیچ وجه دیگر عوامل موثر بر وقف را نادیده نگرفته است، بلکه به طور خاص بر تاثیر استبداد سیاسی و خطر مصادره اموال در رابطه با وقف تاکید داشته است. به طور کلی چنان که مشاهده شد وقف در دوره قاجار و میان دولت‌مردان ایرانی از یک ابزار دینی و اجتماعی به ابزاری برای حفظ و نگهداری اموال در برابر تهدیدات سیاسی تبدیل شد.

تعارض منافع: نویسندگان گواهی می‌نمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی نویسندگان است و نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

منابع و مأخذ

- اتحادیه، منصوره، موقوفات و خدمات عام‌المنفعه عبدالحسین میرزا فرمانفرما، نشریه وقف میراث جاویدان، بهار ۱۳۸۱، شماره ۳۷، صص ۴۷-۶۲.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن، روزنامه *خاطرات اعتمادالسلطنه*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۰.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن، *صدرالتواریخ*، تهران، ۱۳۵۷.
- امانت، عباس، *قبله عالم*، تهران، نشر کارنامه، ۱۳۹۸.
- آدمیت، فریدون، *اندیشه ترقی*، تهران، خوارزمی، ۱۳۸۵.
- بامداد، مهدی، *شرح رجال ایران*، تهران، زوار، ۱۳۷۱.
- حاجی‌عباسی، محمد، وقف نامه مجلس شورای ملی (دارالشورای ملی، ساختمان بهارستان)، نشریه وقف میراث جاویدان، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، صص ۴۵-۴۸.
- دبیرسیاقی، محمد، موقوفات انیس الدوله، نشریه وقف میراث جاویدان، تابستان ۱۳۸۴، صص ۲۰-۳۳.
- دبیرسیاقی، محمد، وقف‌نامه دو قنات صدرآباد و کاظم‌آباد و دکان‌های پیرامون باغ نظامیه تهران، نشریه وقف میراث جاویدان، زمستان ۱۳۷۸، شماره ۲۸، صص ۲۹-۳۶.
- رضایی، امید، *فهرست اسناد موقوفات ایران از آغاز تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷* (جلد ۴)، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، ۱۳۸۶.
- سپهر، محمدتقی، *ناسخ التواریخ*، تهران، ۱۳۳۷.



- سعیدی، حوریه، شاه و جناب آقا، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۸.
- قنبریان، علی، مسجد و حوزه علمیه شیخ عبدالحسین (موسس، موقوفات، معماری)، نشریه وقف میراث جاویدان، پاییز ۱۳۹۷، شماره ۱۰۳، صص ۱۲۵-۱۵۴.
- قنبریان، علی، قزلباشان، امین، تبیین و بررسی زندگانی و خدمات خاندان قائم مقام فراهانی، تاریخنامه خوارزمی، تابستان ۱۴۰۰، شماره ۳۴، صص ۷۱ تا ۸۸.
- کاتوزیان، محمدعلی، تضاد دولت و ملت نظریه تاریخ و سیاست در ایران، تهران، نشر نی، ۱۳۸۴.
- کازرونی، عمادالدین، وقف نامه مسجد مدرسه سپهسالار قدیم، نشریه وقف میراث جاویدان، بهار و تابستان ۱۳۸۰، شماره ۳۳-۳۴، صص ۱۲۱-۱۳۲.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷.
- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵.
- مفتون‌دنبلی، عبدالرزاق، مآثرالسلطانیه، تهران، موسسه انتشاراتی روزنامه ایران، ۱۳۸۹.
- نقیعی، ابوالقاسم، میرزا حسین خان سپهسالار (مسجد و مدرسه سپهسالار، پیشینه فرهنگی)، نشریه دانشنامه جهان اسلام، شماره ۲۳، صص ۹-۱۱.